



آموزش زبان روسی

پای کوربت
ترجمه محسن سلیمانی

یکی بود یکی نبود.....

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آموزش داستان نویسی

سطح یک

درباره نویسنده

پای کوربت معلم، نویسنده و شاعر انگلیسی (بریتانیایی) است و زمینه اصلی کارش ادبیات کودکان و نوجوانان است. او در رشته علوم تربیتی تحصیل کرده و تاکنون بیش از دویست اثر داستانی، ادبی و آموزشی نوشته است.

این کتاب را به همهٔ معلم‌هایی هدیه می‌کنم که داستان‌نویسی را در قلب و ذهن بچه‌ها زنده نگه می‌دارند. همین‌طور سیاست‌گذارم از همهٔ معلم‌هایی که به من کمک کردند تا این هدف‌ها را عملی کنم.
پای کوربت

شرکت انتشارات ویژه نشر
حق انحصاری نشر اثر (Copyright) کتاب:
How to Teach Story Writing
at Key Stage 1
را از انتشارات David Fulton (ناشر اصلی)
برای ترجمه به زبان فارسی خریداری کرده است.

پای کوربت
ترجمهٔ محسن سلیمانی

آموزش داستان‌نویسی سطح یک

سرشناسه	کورت، پای، ۱۹۴۵ - م.
عنوان و نام پدید آور	آموزش داستان نویسی سطح یک / نویسنده پای کورت؛ مترجم محسن سلیمانی.
مشخصات نشر	تهران: ویژه نشر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۱۴۴ ص: مصور، جدول، نمودار.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۷۴۴۰-۷۷-۶
وضعیت فهرست نویسی	شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۴۰-۷۹-۰۰
یادداشت	فیپا
یادداشت	عنوان اصلی: How to Teach Story Writing at Key Stage 1
موضوع	واژه نامه.
موضوع	نویسندگی خلاق (آموزش ابتدایی)
شناسه افزوده	استعداد قصه گویی در کودکان
رده بندی کنگره	سلیمانی، محسن، ۱۳۳۸، مترجم
رده بندی دیویی	LB ۱۵۷۶/ک۸۷۱۸ ۱۳۹۵
شماره کتابشناسی ملی	۳۷۲/۶۲۳
	۴۱۷۹۶۴۶

آموزش داستان نویسی - سطح یک

نویسنده: پای کورت

مترجم: محسن سلیمانی

چاپ اول: ۱۳۹۵

تعداد: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۴۰-۷۷-۶

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۴۰-۷۹-۰۰

ناشر: شرکت انتشارات ویژه نشر

آدرس: تهران - خیابان استاد نجات اللهی - کوچه هواپیمایی - پلاک ۱

www.vijehnasr.com info@vijehnasr.com

تلفن: ۰۲۱ ۸۸ ۹۱۰۰۹۱ فاکس: ۰۲۱ ۸۸ ۹۱۰۴۳۰

لیتوگرافی و چاپ: طایفه



● کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر انحصاراً برای ناشر محفوظ و هرگونه بهره برداری از این کتاب، موقوف به اجازه کتبی ناشر می باشد. نقل بخشی از متن با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست

<p>سؤال‌های اساسی برای فعال کردن ذهن بچه‌ها ۲۹</p> <p>ورقه تصاویر داستان ۳۰</p> <p>پاراگراف ساز ۳۱</p> <p>استفاده از حروف یا کلمات ربط ۳۲</p> <p>وسایل هیجان انگیز ۳۳</p> <p>جمله‌گویی و داستان‌گویی ۳۴</p> <p style="text-align: center;">فصل ۳</p> <p style="text-align: center;">تقلید: بازگویی قصه‌های مشهور</p> <p>الگوی آموزش ۴۱</p> <p>گوش کردن ۴۱</p> <p>شرکت در کلاس ۴۱</p> <p>تقلید ۴۱</p> <p>فعالیت‌های کلاسی که به بچه‌ها کمک می‌کند تا داستان‌ها ملکه ذهنشان بشود ۴۱</p> <p>استفاده از قصه‌ها ۴۳</p> <p>آفاغوله و بزهای ناقلا ۴۴</p> <p>خرگوش و لاک پشت ۴۶</p>	<p style="text-align: right;">فصل ۱</p> <p style="text-align: center;">مقدمه</p> <p>چرا داستان مهم است؟ ۱۰</p> <p>سه چشم ما ۱۰</p> <p>کلاس خلق داستان ۱۳</p> <p>برنامه‌ریزی و آمادگی ۱۳</p> <p>اداره کارگاه‌های نویسندگی ۱۴</p> <p>چهار یادداشت دیگر درباره آموزش نویسندگی ۱۷</p> <p>سخن آخر ۲۰</p> <p style="text-align: right;">فصل ۲</p> <p style="text-align: center;">ساختار داستان‌ها - کوه داستان</p> <p>شروع ۲۱</p> <p>مقدمه چینی ۲۱</p> <p>مشکل / بلا تکلیفی ۲۱</p> <p>گره‌گشایی ۲۱</p> <p>پایان بندی ۲۱</p> <p>درک پنج‌بخش داستان ۲۶</p>
---	---

آقاروباهه و کیسه‌اش ۴۷

فصل ۴

نوآوری: تغییر قصه‌های مشهور

چیزهایی را بردارید ۵۱

چیزهای تازه‌ای اضافه کنید ۵۱

چیزهایی را تغییر دهید ۵۱

طرح زیربنایی قصه را استخراج کنید ۵۲

کارکردن روی قصه‌های هادامتی ۵۲

دو قصه برای نوآوری ۵۳

سوپ تبر ۵۴

فهرست شخصیت‌ها شماره ۲ ۶۵

فهرست احساس‌های شماره ۱ ۶۶

فهرست احساس‌های شماره ۲ ۶۷

فهرست مکان‌های شماره ۱ ۶۸

فهرست مکان‌های شماره ۲ ۶۹

نقشه داستان ۱ ۷۰

فهرست نقشه داستان ۷۱

حادثه‌های آغازگر داستان ۷۲

ورقه تصاویر داستان ۷۳

فهرست گزینه‌های داستان ۷۴

فصل ۶

شخصیت‌پردازی

شخصیت‌پردازی هنگام خواندن داستان ۷۵

شخصیت‌پردازی در نمایش ۷۶

شخصیت‌پردازی هنگام نوشتن ۷۷

شخصیت‌های خوب ۷۷

شخصیت‌های بد ۷۸

از توصیف بسیار کم، استفاده کنید ۷۸

ارائه علائق شخصیت‌ها ۷۹

شخصیت‌پردازی با استفاده از احساس‌های مختلف ۷۹

شخصیت‌پردازی با اعمال و رفتار شخصیت‌ها ۸۱

شخصیت‌پردازی با حرف‌های شخصیت‌ها ۸۱

نکته آموزشی ۸۲

استفاده از گفت‌وگو ۸۲

فصل ۵

خلق: آفرینش قصه‌های خودتان

عادت به خلق داستان ۵۶

تام و کوتوله جادوگر ۵۸

چگونه بازی کنیم ۵۹

فهرست طراحی شماره ۱ ۶۲

شخصیت

مکان

شروع

مشکل

پایان

فهرست طراحی شماره ۲ ۶۳

فهرست شخصیت‌ها شماره ۱ ۶۴

- استفاده از بادکنک‌های بالای سر شخصیت‌ها ۸۲
- قواعد گفت‌وگو نویسی ۸۳
- فعل‌های قبل از گفت‌وگو ۸۳
- جاندار کردن گفت‌وگوها ۸۴
- برخی از فعالیت‌های همیشگی ۸۴
- توصیه‌های نگارشی ۸۵

فصل ۷

خلق مکان داستان

- فهرست موارد بازبینی مقدمه چینی داستان‌ها ۱۰۰
- مشکل داستان‌ها ۱۰۰
- فهرست موارد بازبینی مشکل داستان‌ها ۱۰۰
- گره‌گشایی داستان‌ها ۱۰۰
- فهرست موارد بازبینی گره‌گشایی داستان‌ها ۱۰۱
- پایان داستان‌ها ۱۰۱
- فهرست موارد بازبینی پایان داستان‌ها ۱۰۱
- لیزی، جک و بیلی ۱۰۲
- الماس قیمتی ۱۰۳
- شبح ۱۰۴
- کسی خانه نیست؟ ۱۰۵
- قصه بافی ۱۰۶
- بهترین دشمن‌ها ۱۰۷
- ۱۰۸
- ۸۶ بررسی مکان داستان در هنگام داستان خوانی ۸۶
- توصیف مکان‌ها ۸۷
- زنده کردن مکان‌ها ۸۸
- استفاده از توصیف ۸۸
- مکان‌های ترسناک ۹۰
- مکان‌های خیالی ۹۱
- توصیه‌های نگارشی ۹۲

فصل ۹

انواع داستان

- قصه‌های آرزو ۱۰۸
- قصه‌های هشدار ۱۰۹
- قصه‌های تعقیب ۱۱۰
- قصه‌های شکست هیولا ۱۱۰
- ماهی گیر فقیر و پادشاه ماهی‌ها ۱۱۱
- قصه‌های مشکل و گره‌گشایی ۱۱۴
- ظهور یک مزاحم ۱۱۴
- داستان‌های سفر: جست‌وجوها و ماجراها ۱۱۴

فصل ۸

بخش‌های مهارتی

- ۹۳
- دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و کلاس اول ۹۳
- استفاده از رنگ‌ها ۹۴
- کلاس دومی‌ها ۹۴
- برنامه‌ریزی سه‌روزه ۹۷
- شروع داستان‌ها ۹۸
- فهرست موارد بازبینی شروع داستان‌ها ۹۹

۱۳۰	استفاده از قیدها	۱۱۵	قصه‌الگوهای تکراری
۱۳۰	استفاده از نام‌ها	۱۱۶	قصه از دست دادن یا گم کردن، پنهان و پیدا شدن
۱۳۰	استفاده از جملات متنوع	۱۱۷	دیزی کوچولو
۱۳۱	بازی‌های اولیه جمله‌سازی	۱۱۸	قصه دروغگویی و رازگویی
۱۳۱	تمرینات ورزشی جمله‌نویسی	۱۱۸	قصه‌های رو به رشد
۱۳۲	روال تدریس	۱۱۹	داستان‌های خانه و مدرسه
۱۳۲	جمله‌سازی	۱۱۹	افسانه‌ها و قصه‌های عبرت آموز
۱۳۳	خلق جملات زیاد	۱۱۹	قصه موجودات ناقلا
۱۳۳	نوشتن جملات بهتر	۱۲۰	قصه فانتزی (خیالی)
۱۳۳	چگونه جمله‌های بهتری بنویسیم؟	۱۲۰	چرند و پرند و داستان‌های آدم‌های مسخره
۱۳۴	تمام کردن جملات	۱۲۱	چوپان دروغگو
۱۳۵	دکتر جمله‌ها	۱۲۲	سیلکی ویدن
۱۳۵	ترکیب جمله‌ها	۱۲۵	قصه‌های منظوم کودکان
۱۳۵	تقلید جمله‌ها	۱۲۵	قصه آدم نحس
۱۳۶	تغییر نوع جملات	۱۲۶	داستان‌های تکه تکه (اپیزودیک)
۱۳۶	نوشتن با سبک: مطالب خیال پردازانه!	۱۲۶	داستان زندگی ما
۱۳۶	واج آرایی یا تجانس آوایی	۱۲۷	بگذارید کتاب نوع داستان را به شما بگوید
۱۳۷	تشبیه		
۱۳۷	تشخیص (شخصیت بخشی)		
۱۳۸	نکاتی برای تدریس	۱۲۸	
۱۳۸	بهتر کردن املاي بچه‌ها		
۱۳۹	علامت گذاری پیشرفت کار بچه‌ها: پرداخت نوشته		
۱۴۰	آزاد کردن خلاقیت		
۱۴۰	برنامه کاری کلاس دوم		
۱۴۱	■ واژه‌نامه		
		۱۲۸	■ فصل ۱۰
			سبک نگارش
		۱۲۸	جعبه ابزار داستان نویسی
		۱۲۸	استفاده از کلمات مناسب
		۱۲۹	صفت‌ها
		۱۲۹	استفاده از افعال قوی

مقدمه

به اعتقاد من بیشتر معلمان ابتدایی افرادی خلاق و خوش استعداد هستند. وقتی در حال رشد و بالیدن هستیم، به ما می‌گویند که نمی‌توانیم این یا آن کار را بکنیم، اما معمولاً کسانی این چیزها را می‌گویند که تنها دلیلشان برای اینکه می‌دانند ما باید چه کار کنیم، این است که خودشان روزی به مدرسه رفته‌اند و بعد با حالتی سرشار از رضایت از خود، از آن فارغ‌التحصیل شده‌اند.

یکی از بزرگترین توانایی‌های ما این است که از نعمت پرحرفی برخورداریم. می‌توانیم حرف بزیم و مخاطبان را وادار کنیم که به ما گوش کنند. بدون قوه ناطقه، ما هیچ هستیم. این توانایی بزرگی است که اغلب به آن بها نمی‌دهیم و هنگامی که قرار است استعداد داستان‌پردازی بچه‌ها را پرورش دهیم، یکی از قدرتمندترین پشتیبان‌های ماست. یادم هست سال‌ها پیش کشیشی بود که در سخنرانی‌اش برای بچه‌های دبستانی، همیشه سر صحبت را با این سؤال باز می‌کرد: «بچه‌ها، کسی تا به حال ملخ دیده؟» خوب، این کشیش فقط همین را داشت که بگوید. ما هیچوقت به عقلمان نمی‌رسید که قرار است چه مطلب مهم دینی از قضیه ملخ دریابید (اغلب از خودم می‌پرسم او واقعاً می‌خواست چه بگوید؟). متأسفانه در این موقع بچه‌ها شروع به صحبت با دوروبری‌های خودشان می‌کردند درباره اینکه چطوری - بله - چطوری ملخ دیده‌اند و ملخ چقدر بزرگ بوده و چه چشمان ورقلمبیده‌ای داشته... بعد سروصدای بچه‌ها بلند و بلندتر می‌شد. وقتی سروصداها می‌خوابید، کشیش دوباره سؤالی می‌پرسید. او سه بار پشت سر هم از همین شگرد استفاده می‌کرد و هر سه بار هم بچه‌ها سروصدای زیادی می‌کردند. آخر سر هم همگی خجالت زده و به صف، به کلاس برمی‌گشتیم.

من بارها به این کشیش و ملخ فکر کرده‌ام. این قضیه برای من کاملاً گویاست. خیلی‌ها نمی‌توانند بچه‌ها را جذب کنند. این کار مهارت می‌خواهد: موضوع مناسب، زبان مناسب، استفاده درست از لحن، حرکات چشم، زبان بدن، مکث‌های نمایشی و غیره. بله این کاری است که هزاران معلم ابتدایی هر روز و همیشه انجام می‌دهند.

به نظر من این مهارت را می‌توان در مسیر خلق داستان، به عنوان بخش مهمی از زندگی بچه‌ها، به کار انداخت. در همه ما توانایی خلق قصه‌های ساده و بافتن افسانه وجود دارد. پیش بردن روایت یک قصه،

نشان دادن اینکه قصه‌ها چگونه گسترش پیدا می‌کنند و مشغول کردن بچه‌ها به خلق داستان، می‌تواند بدل به ابزاری قدرتمند شود، ابزاری که به بچه‌ها کمک می‌کند تا با آن سیر قصه خود را پیش ببرند.

چرا داستان مهم است؟

داستان‌ها برای ما اهمیتی حیاتی دارند، چون یکی از راه‌های شناخت جهان هستند: شیوه‌ای برای توضیح دنیا برای خودمان و توضیح خودمان برای دنیا. بشر از دیرباز تاکنون مشغول داستان‌پردازی بوده است. قصه‌های اولیه نوعی توضیح پدیده‌های غیر قابل توضیح بوده‌اند که بعدها بدل به اسطوره‌های اولیه ما شده‌اند. قصه‌های سنتی، بدی‌ها و خوبی‌های فرهنگ ما را سینه‌به‌سینه منتقل کرده‌اند. این قصه‌ها نوعی ستایش از پشتکارها، مهربانی‌ها، فداکاری‌ها و دیگر فضیلت‌ها هستند و در دل فرهنگ همه جوامع نیز وجود دارند.

بچه‌های کوچک اغلب هنگام بازی، قصه می‌گویند. آن‌ها قصه بازی‌های خود را تعریف می‌کنند، جنبه‌های مختلف زندگی خودشان را درهم می‌بافند و آن‌ها را با چیزهایی می‌آمیزند که در دیگر قصه‌ها خوانده یا شنیده‌اند.

بیشتر افکار و صحبت‌های افراد، اساسش بر داستان است: وقتی ما یکدیگر را می‌بینیم، دربارهٔ اتفاق‌هایی که رخ داده گپ می‌زنیم و شایعات و ماجراهای بامزه را ردوبدل می‌کنیم. شایعات در حکم چسب جوامع هستند. وقتی هم که فکر می‌کنیم، اغلب داستانی را که رخ داده تجزیه و تحلیل می‌کنیم و اتفاق‌هایی را که احتمال داشت رخ دهد، مجسم می‌کنیم. داستان شیوه‌ای اساسی برای ارتباط و درک جهان است.

سه چشم ما

این کتاب برای معلم‌های پُرکار در کلاس نوشته شده است. کتاب حاضر، آموزش سادهٔ زبان، برای دانش‌آموزان ابتدایی نیست. بلکه راهنمای عملی برای کمک به معلم‌ها در جهت آموزش مؤثر مبانی ساده و اولیهٔ داستان‌نویسی است. کتاب براساس مفاهیم ساده‌ای شکل گرفته است: تقلید، نوآوری و خلاقیت یا درواقع سه چشم ما. سه فصل از این کتاب دربارهٔ همین سه مفهوم است.

تقلید: گوش دادن، شرکت در فعالیت کلاسی و آشنایی خوب با داستان‌ها است. با این کار کم‌کم ساختار داستان و الگوهای جمله‌بندی داستان ملکهٔ ذهن می‌شود.

نوآوری: انتخاب یک داستان خوب و استفاده از آن به‌عنوان ساختار پایه‌ای برای ایجاد تغییرات خود در آن است. به زبان دیگر، نوآوری، وام‌گیری و اقتباس از ساختارهای داستانی و الگوهای جمله‌بندی است.

خلاقیت: ساختن داستان خودتان است، با استفاده از همهٔ قصه‌هایی که می‌دانید. به زبان دیگر خلاقیت استفاده، اقتباس، تغییر و خلق ساختارهای داستانی و الگوهای جمله‌بندی است.

تقلید

زبان ما در خلأ، شکوفا نمی‌شود. بچه‌ها کلمات، عبارات‌ها و جملات را از دهان اطرافیان‌شان می‌شنوند و می‌آموزند. وقتی آن‌ها پا به مدرسه می‌گذارند، طرز صحبت کردنشان برگرفته از الگوهای زبانی افراد خانواده‌شان است. البته آن‌ها توان خلاقیت هم دارند. همه والدین، لحظات شادی را که با شنیدن ترکیب‌های غیرعادی کلمات فرزندانشان حس کرده‌اند، به یاد دارند. حتی میمون‌ها هم می‌توانند ترکیب‌های جدید بسازند. [در آزمایش‌هایی که صورت گرفته شامپانزه‌ها نه تنها توانسته‌اند در حدود ۱۵۰ نشانه زبانی را (با حرکات دست) یاد بگیرند، بلکه توانسته‌اند برخی از این نشانه‌ها را باهم ترکیب کنند.]^۱ مرحله تقلید، مرحله بسیار مهمی است. اگر شما با شکل‌های زبانی و هنری آشنا نباشید، نوشتن به آن شیوه‌ها برایتان دشوار است. تا شما نمونه‌های زیادی از یک شکل ادبی خاص را نخوانده باشید نمی‌توانید نمونه‌ای از آن را بنویسید. مثلاً اگر من به شما بگویم یک غزل^۲ بنویسید، احتمالاً نمی‌دانید چطور بنویسید. غزل یکی از شکل‌های شعری است. حال سؤال این است که شما چند غزل باید بخوانید تا بتوانید شکل کلی، موضوع و ویژگی‌های زبانی آن را درک کنید و خودتان یک غزل بنویسید؟

بهترین نویسنده‌های کلاس شما، همیشه بهترین خواننده‌ها هستند. بچه‌هایی که کتاب‌ها را با ولع می‌خوانند و برای همین هم می‌توانند بنویسند. آن‌ها آن قدر کتاب خوانده‌اند که الگوهای اشکال هنری، ملکه ذهنشان شده است و به‌صورتی جوششی و روان از زبان استفاده می‌کنند و می‌توانند از منبع داستان‌هایی که در ذهن دارند استفاده کنند.

با پذیرش این نکته، بچه‌ها به‌ویژه آن‌هایی که کسی در خانه برایشان کتاب نخوانده است، به دو چیز نیاز دارند:

- تعداد زیادی کتاب‌های خوب تصویری برایشان بخوانیم و خودشان هم فراوان کتاب بخوانند.
- برخی از داستان‌ها را واقعاً خوب درک کنند.

یکی از راه‌های اساسی برای پرورش و تقویت توانایی‌های زبانی بچه‌ها، خواندن و بازخوانی کتاب‌هاست. بازخوانی و بازگویی داستان‌ها بسیار مهم است، چراکه بچه‌ها می‌توانند با این کار، این مراحل را به‌خوبی پشت سر بگذارند.

گوش کردن: شنیدن قصه‌ای که معلم می‌گوید یا می‌خواند.

شرکت در کلاس: به‌طور دائم و هرچه بیشتر قصه گفتن.

تقلید: توانایی بازگویی و بازخوانی قصه‌ها.

پیشنهاد من این است که بچه‌ها دو سه داستان را، واقعاً خوب از هر نظر، در دوره پیش‌دبستانی و سال اول ابتدایی درک کنند. در این صورت، منبعی از چند داستان کم‌کم در ذهن آن‌ها شکل خواهد

۱. مطلب داخل [] برای توضیح بیشتر به متن افزوده شده است. م.

۲. این کلمه به‌جای نوعی شعر انگلیسی به نام پنتوآم pantoum به کار رفته است. م.

گرفت. این هسته‌های داستانی، اساسی قوی برای داستان‌پردازی‌های خودشان خواهد شد و در خلق داستان از آنها استفاده خواهند کرد.

نوآوری

مرحله دوم، مرحله نوآوری است. در این مرحله شما از یک قصه مشهور استفاده کرده و آن را تغییر می‌دهید. همانطور که می‌دانید، میمون‌ها هم فقط با استفاده از تصاویری که قبلاً با آن‌ها آشنا شده‌اند، می‌توانند تصویر جدیدی خلق کنند. نمی‌توان چیزی نو به وجود آورد مگر اینکه آن را روی قبلی بنا کرد. البته در ابتدا نوآوری شاید راحت باشد: شما داستانی را بازگو می‌کنید و فقط اسامی شخصیت‌ها را عوض می‌کنید، اما بعدها می‌توانید قصه را جزء به جزء تجزیه و تحلیل کنید و با زیرساخت همان داستان، داستانی کاملاً جدید به وجود بیاورید.

خیلی از ما معتقدیم که تقریباً همه داستان‌ها نوعی نوآوری داستان‌های قبل هستند. در حقیقت توانایی نوآوری به این معنا است که نویسنده‌های کوچک با استفاده از الگوی مشهور یک قصه دیگر، داستانی تازه را با چند نوآوری مختصر می‌سازند. این شیوه کار، خلاقیت را برای ما خیلی آسان خواهد کرد.

خلاقیت

مرحله سوم، کار ما خلاقیت است. مسلماً همه تلاش می‌کنند تا به این مرحله برسند. مرحله‌ای که بچه‌ها با خوشحالی می‌فهمند که می‌توانند خیلی راحت و ساده، قصه خودشان را بیافرینند. حالتی که گویی بدون اینکه فکری کنند، قصه‌ها از دورنشان می‌جوشد.

به وجود آوردن داستانی تازه، بدون داشتن جعبه ابزار لازم، خیلی دشوار است. نویسنده‌های کوچک برای داستان‌نویسی باید ابزار لازم را داشته باشند، همانطور که وقتی خانه‌سازی می‌کنند، باید همان وسایل خانه‌سازی را در اختیار داشته باشند.

- تعدادی شخصیت یا بازیگر داستان،
- چند مکان،
- چند حادثه،
- چند الگوی اولیه: شروع‌های داستان / بلا تکلیفی‌ها / پایان‌های داستان،
- جملاتی روان برای داستان‌گویی.

اگر بچه‌ها زیاد داستان خوانده و چندتایی را خوب درک کرده باشند، امکان آن را پیدا می‌کنند که برخی از الگوهای داستانی را دستکاری و با آن‌ها بازی کنند. در پایان این مرحله اعتمادبه‌نفس لازم را پیدا می‌کنند تا از منبعی بالارزش استفاده کنند و آزادانه داستان‌های خود را خلق کنند.

کلاس خلق داستان

توانایی داستان‌گویی با تداوم خواندن، شنیدن، گفتن و نوشتن داستان است که ملکه ذهن دانش‌آموزان می‌شود. دانش‌آموز یا نویسنده کوچک باید بتواند توانایی نوشتن مجموعه‌ای از شکل‌های مختلف روایی را در خود به وجود بیاورد تا با استفاده از آن‌ها داستان‌های خود را بنویسد. نکته مهم این است که بتوانید فضا و شرایط خوبی را برای نوشتن داستان ایجاد کنید. چنین شرایطی شامل موارد زیر است:

- دسترسی بچه‌ها به تعداد زیادی از آثار خوب ادبی.
- ارائه آثار ادبی به شیوه‌ای جذاب، برای افزایش علاقه بچه‌ها به ادبیات.
- انتخاب بهترین نویسنده هفته یا ماه از بین بچه‌ها.
- انتخاب داستان‌هایی برای ضبط و پخش آن در کلاس‌های دیگر.
- داستان خوانی منظم و زیاد.
- استفاده از نویسنده‌ها یا داستان‌گوها در مدرسه با برنامه‌ای منظم.
- ایجاد جعبه‌های مجزا از آثار هر نویسنده.
- ایجاد هیجان و جو درباره داستان‌ها و نویسنده‌ها (هم دانش‌آموزان و هم معلمان، خواندن آثاری را تبلیغ کنند).
- نوشتن، خواندن و باهم نویسی داستان با بچه‌ها.
- ایجاد امکانی برای زنده کردن داستان‌ها با نمایش یا بازی آن‌ها.

برنامه‌ریزی و آمادگی

برنامه‌ریزی ممکن است کاری بی‌روح و خسته‌کننده باشد، به خصوص وقتی که معنایش پُر کردن فرم‌های افراد دیگر و علامت زدن تعداد زیادی مربع ریز باشد. اما برعکس آن، آمادگی کاری بسیار مهیج‌تر است. اجازه دهید نیم‌نگاهی به هر کدام بیندازیم.

۱. برنامه‌ریزی

برای زمان‌های طولانی‌تری برنامه‌ریزی کنید. زمان زیادی طول می‌کشد تا بچه‌ها واقعاً با نوع متن‌ها آشنا بشوند. باید فرصت زیادی به آن‌ها برای بازبینی، بازخوانی و تقویت آموخته‌هایشان داد. از اینکه یک ماه و نیم از وقت خود را صرف خواندن و نوشتن متن یک داستان کنید، نترسید. در ذهن خود هدف‌های بزرگی را در نظر بگیرید، مثلاً بگویید امیدوارم بیشتر دانش‌آموزان در آخر این درس بتوانند قصه‌ای ساده، حداقل در سطح ۲ بنویسند. هدف خود را به‌طور ساده و روشن مشخص کنید. از الگوهای ساده‌ای که فقط یک درجه از سطح نگارش بچه‌ها بالاتر است استفاده کنید، الگویی که اگر بچه‌ها توانستند آن را بنویسند، واقعاً خوشحال شوید.

کار را از خواندن یک الگوی داستانی شروع کنید، سپس با «باهم‌نویسی» به نوشتن ادامه دهید و در آخر به مستقل‌نویسی برسید.

در هر جلسه تمام توجه‌تان روی یک موضوع مشخص باشد.

سعی کنید از دادن تکلیف برای چهارشنبه‌ها^۱ پرهیز کنید. چهارشنبه‌ها بچه‌ها (و شما) خسته هستید. این روز، برای اینکه تمام حواس بچه‌ها به فعالیت سختی مثل نوشتن باشد روز مناسبی نیست. من در فصل ۸ زیر عنوان بخش‌های مهارتی، یک برنامه نگارش منظم هفتگی را برای دانش‌آموزان کلاس دوم پیشنهاد کرده‌ام. تدریس شما باید در هفته‌های پشت سرهم و با موضوعات مرتبط به هم باشد. یکی از شیوه‌های مؤثر برای آموزش نویسندگی به بچه‌ها استفاده هرروزه از شیوه «باهم‌نویسی» است. استفاده از این شیوه فقط هفته‌ای یک بار کافی نیست (معلم‌هایی که هرروز از شیوه باهم‌نویسی استفاده نمی‌کنند، در واقع آموزش نویسندگی نمی‌دهند). بنابراین، هم در جلسه‌های سوادآموزی و هم در اجرای باقی برنامه درسی خود از این شیوه استفاده کنید.

از اجرای هر برنامه سفت‌وسخت هفتگی که در آن بچه‌ها فرصت دوباره خوانی و تقویت خود را ندارند، پرهیز کنید. اگر دقت کافی در این مورد نداشته باشید، این برنامه‌ها ممکن است تبدیل به یک مشت هدف‌های آشفته و نامربوط شوند. هر بار لازم است فرصت و زمان کافی را برای خودجوشی، خلاقیت‌های فی‌البداهه و بازگشت به عقب برای تقویت مهارت‌هایی که بچه‌ها باید بهتر بیاموزند، فراهم کنید.

۲. آمادگی

این مرحله کمی با تفریح و سرگرمی همراه است، چون در این مرحله چیزهایی پیدا می‌کنیم تا جهانی داستانی خلق کنیم. یادتان باشد که هرگاه با کلاس روی داستانی کار می‌کنید، نیاز به نوعی محرک جذاب برای ایجاد شور و شوق در دانش‌آموزان دارید. من معمولاً به دوروبرخانه خودم نگاهی می‌اندازم تا ببینم چه چیز جالبی اطرافم دارم: یک سنگ صیقل داده شده، یک دست عروسک‌های روسی، یک شمعدانی، یک آینه پر نقش‌ونگار، کلید قدیمی یک کلبه چوبی و غیره. حتی می‌توانید از نمایش لباس‌های مختلف، فیلم ویدئویی، موسیقی، پوسته‌های تابلوهای نقاشی، مکانی در نزدیکی مدرسه و غیره نیز استفاده کنید. به‌رحال مسلم است که شما عناصری لازم دارید تا کلاس داستان را به کلاس خاصی تبدیل کنید و با فعال کردن تخیل بچه‌ها جرعه خلاقیت را در ذهن آن‌ها روشن کنید. درست نیست که همیشه و هر بار از یک کتاب قطور برای شروع کلاس و ایجاد اشتیاق در بچه‌ها استفاده کنید، گاهی این کار بسیار ملال‌آور است.

اداره کارگاه‌های نویسندگی

تا اینجا رفته‌رفته، هرچه بیشتر با الگوی اصلی آموزش نویسندگی آشنا شدیم؛ حرکت از خواندن به نوشتن. سعی کنید هرروز در برنامه درسی‌تان حتماً زمان‌هایی را برای باهم‌نویسی بگذارید. به این معنا که برنامه درسی‌تان را

۱. در متن اصلی جمعه‌ها. م.

بررسی کنید و در جاهایی که منطقی و مناسب است از نویسندگی مشترک استفاده کنید. تا چیزی را درس نداده‌اید، نباید از بچه‌ها بخواهید نوشتن آن را تمرین کنند. تمرکز بیش از حد روی تک‌تک کلمات، نویسندگی مشترک یا باهم‌نویسی را کند می‌کند؛ برای همین، نوشتن بی‌معنا می‌شود و تداوم خود را از دست می‌دهد. حتی نوآموزان هم می‌توانند داستان‌های طولانی را - تا اندازه‌ای - سریع بسازند. سعی کنید جلسات زیادی را برای کار کردن روی یکی دو جمله نگذارید. استفاده از شیوه‌های زیر نیز هنگام تدریس مفید است:

- از نمونه مثال‌هایی که قبلاً نوشته‌اید استفاده کنید. نباید هر بار با گشتن دنبال یک مثال، وقت را تلف کنید، از خودتان مثال بیاورید.
 - به بچه‌ها برنامه‌ریزی را یاد بدهید.
 - با استفاده از شیوه باهم‌نویسی، یک نمونه بنویسید.
 - نمونه کامل را ویرایش کنید.
- راهبردهای کلیدی در تدریس نویسندگی عبارتند از :

خواندن مثال‌ها: لازم است بچه‌ها را متوجه ساختارها و ویژگی‌های زبانی قصه‌ها کنیم، چیزهایی که ممکن است در نوشتن داستان‌ها به کارمان بیاید.

فضا / انگیزه / برنامه: به بچه‌های کلاس برای نوشتن قصه، انگیزه / سوژه جذاب بدهید و فضایی دلکش برایشان ایجاد کنید. این مسائل می‌تواند شامل بازگویی یک قصه تاجایی که بچه‌ها کاملاً با آن آشنا شوند، کشیدن تصویر حوادث پشت سرهم، نمایش تئاتری آن‌ها، ترسیم توالی داستان و غیره باشد. لازم است داستان طوری ساخته شود که چیزی برای تعریف کردن وجود داشته باشد. میزان آموزش، تمرین و نمایشی را که لازم است در کلاس داشته باشید، دست کم نگیرید. برای راهنمایی‌هایتان در زمینه نویسندگی، برنامه ساده‌ای تنظیم کنید، برنامه‌ای شامل نمودار شیوه کار، نقشه داستان، نردبان داستان یا کوه داستان (فصل ۲ را در زمینه طراحی داستان ببینید).

نشان دادن نویسندگی: لازم است معلم در حضور بچه‌ها بنویسد، جملات / داستان خود را خلق کند و کارهایی را که می‌کند توضیح دهد، دائم نظر بدهد و معمای داستان را حل کند.

نشان دادن برای یادگرفتن هر چیز تازه و رفع تردیدهای بچه‌ها بسیار مفید است. بنابراین بهتر است شما:

- مثل نویسنده‌ها بلند بلند فکر کنید؛ وقتی می‌نویسید دائم تحلیل کنید و توضیح دهید که چه کار می‌کنید.
- جملات و بخش‌های جملات را قبل از نوشتن آن‌ها تمرین و مرور کنید. این کار باعث درک درست جمله قبل از نوشتن آن می‌شود.
- چیزهایی را که نوشته‌اید دائم بازخوانی کنید. این کار به بچه‌ها کمک می‌کند اشتباهات را بفهمند، جاهایی را که می‌توان بهتر کرد، ببینند و جمله بعدی را خلق کنند.

- به بچه‌ها نکات پایه‌ای را یادآوری کنید (مثل استفاده از نقطه در انتهای جمله یا املای کلمات متداول).
- همیشه برای حفظ سیر کار، پیوسته و با سرعت مناسب پیش بروید.
- گاهی از اشتباهات جزئی و غیرعادی که با هدف‌تان ارتباط دارد، استفاده کنید.
- یاد بدهید چگونه فکر اولیه را بگیرند و آن را بهتر کنند.
- بگذارید بچه‌ها درباره نوشته شما اظهار نظر کنند.
- دائم به الگویتان رجوع کنید.
- به آن‌ها نشان دهید که چگونه با برنامه و نقشه کار کنند.
- فکرهای قبلی درباره نوشتن را هر بار مرور کنید.
- همیشه الگوی شما یک گام بالاتر از سطح بچه‌ها باشد. ویژگی‌هایی را که درست به کار نمی‌برند به آنها گوشزد کنید. اگر بخواهم به‌طور ساده بگویم وقتی سطح بیشتر بچه‌های کلاس، سطح اول است، لازم است از الگوهای سطح دوم استفاده کنید.

باهم‌نویسی: بچه‌ها باید با معلمشان روی یک داستان به‌طور مشترک کار کنند. معلم همه چیز را می‌نویسد و بچه‌ها را از زحمت سنگین و اضافی نوشتن/املاء معاف می‌کند، تا آن‌ها بتوانند همه حواسشان را روی خلق روان اثر بگذارند. معلم کلاس را به تلاش بیشتر وامی‌دارد و ترغیب می‌کند تا اثری در سطحی بالاتر بیافرینند: آن‌ها را متوجه الگوهای گذشته و استفاده از طراحی داستان و غیره می‌کند.

مرحله نوشتن اثر مشترک یا بهم‌نویسی، بعد از نشان دادن نحوه خلق اثر شروع می‌شود. ابتدا به آن‌ها نشان می‌دهید چگونه اثر را خلق کنند، سپس آن‌ها با کمک شما داستانی خلق می‌کنند. در این فعالیت، بچه‌ها در نوشتن یک اثر شرکت می‌کنند اما متن را معلم می‌نویسد. در این مرحله بهتر است مسائل زیر را در نظر بگیرید:

- فکر آن‌ها را روی هدف کلاس متمرکز کنید.
- آن‌ها را وادار کنید تا سوژه‌های ضعیف را بهتر کنند.
- از آن‌ها بخواهید جمله بسازند (بحث‌های دوبه‌دو درباره جملاتشان برای آن‌ها خیلی مفید است).
- بدفهمی‌های آن‌ها را بررسی و رفع کنید.
- بچه‌ها را تشویق کنید که دوبه‌دو باهم کار کنند، تا همه فعال شوند.
- دائم به الگو، طراحی و ارائه‌های قبل رجوع کنید.
- بگذارید نوشتن به‌طور جوششی باشد.
- دائم به نمودارها و فهرست‌های روی دیوار رجوع کنید.
- چند نفر از بچه‌ها را وادار کنید تا کارت‌های نقطه آخر جملات را بالا بگیرند. از فرهنگ‌های لغت برای بازبینی واژه‌های دشوار استفاده کنید، یا از کارت‌های لغت‌آموزی استفاده کنید تا به بچه‌ها کمک کنید املای متداول واژه‌ها را یاد بگیرند.

بتی و بیل: من این کار را از جان که معلم کلاس دوم در ویلتشر بود یاد گرفتیم. بعضی روزها وقتی بچه‌ها وارد کلاس می‌شوند، بتی قسمت بعدی داستان را روی کاغذهای بزرگ روی یک پایه نوشته است. متأسفانه بتی نویسنده خوبی نیست، برای همین بچه‌ها شروع به بررسی و بهتر کردن نوشته او می‌کنند. روز دیگر بیل یواشکی وارد کلاس می‌شود و قسمت بعدی داستان را می‌نویسد. او نویسنده خوبی است، برای همین کلاس می‌تواند توانایی‌های او را تشخیص دهد (البته او ممکن است اشتباه عجیبی هم بکند). (لابد می‌دانید که بتی و بیل شخصیت‌های خیالی هستند!)

مستقل نویسی / وابسته نویسی: وقتی بچه‌ها دستشان در نوشتن راه افتاد، هدف شما باید این باشد که بیشتر آنها بدون کمک دیگری بتوانند بنویسند. با وجود این، شاید هنوز تعداد کمی از بچه‌ها، نیاز به کمک بیشتری داشته باشند، کمک‌هایی مثل تعیین چارچوب نگارش، توصیه‌های خاص، دادن شروع جملات، طرز استفاده از حروف ربط و کمک‌های دیگر بزرگترها. خود من در چنین مواقعی همیشه می‌خواهم مطمئن شوم که نویسندگان کوچک با راهنمایی من می‌توانند بنویسند و کمک می‌کنم آنچه را که آموخته‌اند، به کار ببندند تا در امر نوشتن موفق شوند.

پرداخت نهایی: منظور از پرداخت نهایی بررسی مجدد و احتمالاً حک و اصلاح داستان‌ها برای بهتر شدن آنها است؛ چیزهایی مثل بازبینی نقطه‌گذاری‌ها، درست کردن معذود غلط‌های متداول املائی، بهتر کردن چند کلمه ضعیف و تغییر جملات مبهم. بچه‌های قوی‌تر می‌توانند دو نفره یا با راهنمایی یک بزرگتر این کارها را انجام دهند. در کلاس دوم ابتدایی، من از برخی بچه‌ها می‌خواهم این نکات را مستقیماً روی پلاستیک‌های شفاف قابل نمایش با پروژکتور بنویسند و از آنها در کلاس ویژه پرداخت مطالب استفاده می‌کنم. گاهی هم از شیوه بتی و بیل استفاده می‌کنم.

انتشار: انتشار داستان‌ها به شکل کتابچه، تهیه گزیده داستان‌های چاپی، درست کردن داستان‌های دیواری، چسباندن آنها در آلبوم مطالب، خواندن و ضبط آنها، خواندن قصه‌های بچه‌های یک کلاس برای کلاس دیگر و غیره از جمله کارهای معلم برای انتشار داستان‌هاست.

چهار یادداشت دیگر درباره آموزش نویسندگی

۱. آواشناسی

هنگامی که شروع به آموزش آواها و نوشتن حروف به بچه‌های کلاس اول کردید، پیشنهاد می‌کنم در تکمیل آن هر روز با کلمات کار کنید و نوشتن را با شرکت همه کلاس، حداقل دو بار در هفته در گروه‌های کوچک و با کمک شیوه‌های مهم زیر در دستور کار خود قرار دهید:

- تمرین املائی کلمات به صورت تک کلمه، کلماتی که آواهایشان را قبلاً آموخته‌اند. در این تمرین بچه‌ها کلمات را به طور واضح و با صدای بلند می‌گویند، آنها را بخش‌بخش می‌کنند، املائی

آن‌ها را می‌نویسند و دوباره خوانی می‌کنند. با این کار بچه‌ها سریع‌تر یاد می‌گیرند. به این معنا که می‌توانند بر ارتباط بین آواشناسی، شکل حروف و املاء، صحنه بگذارند و تأکید کنند. معلم نیز می‌تواند دائم ارزیابی و مداخله کند.

- هرگاه آواها را به اندازه کافی آموزش دادید، می‌توانید شروع به آموزش املاي جملات ساده کنید (مثل این جمله: من می‌توانم یک گربه را ببینم).
- وقتی آن‌ها اعتماد به نفس پیدا کردند، معلم می‌تواند الگویی برای جمله‌سازی به آن‌ها بدهد، جمله را بلند بخواند و بعد آن را بنویسید. بچه‌ها هم می‌توانند جمله ابداعی خودشان را بگویند و آن را بنویسند.
- وقتی این برنامه پیش رفت، همین شیوه را می‌توان در داستان‌نویسی‌های اولیه پیش گرفت: هر بار یک جمله از داستان را انتخاب کرد، با صدای بلند گفت، آن را نوشت و دوباره خوانی کرد.
- هم‌زمان با پیشرفت این برنامه هدایت‌شده زیر نظر شما، باید به بچه‌ها فرصت داد تا خودشان نیز چیزهایی را تجربه کنند، مثل نوشتن با استفاده از تخته، حروف آهن‌ربادار، نوشتن نمایشنامه، نوشتن در خانه با کمک والدین و غیره.

جمله‌سازی

در فصل ۵ سوژه‌های زیادی برای تمرین‌های پایه‌ای در جهت خلق و نوشتن جملات آماده است. خیلی از بچه‌ها به این دلیل نمی‌توانند جمله‌سازی کنند که تعداد محدودی ساختار جمله آماده برای استفاده دارند. جمله‌سازی به تمرین شفاهی و کتبی دائم نیاز دارد.

برای اینکه بچه‌ها کلمه‌نویسی و جمله‌نویسی کنند، آن‌ها را وادار کنید از تخته سفید (وایت‌برد) استفاده کنند. با تعیین زمان کوتاهی برای نوشتن هریک از آن‌ها، کاری کنید که این برنامه حالت مسابقه داشته باشد. همیشه برای بچه‌ها همراه پرشور باشید. از بچه‌ها بخواهید تخته‌هایشان را بالا بگیرند و نوشته‌های بقیه گروه یا کلاس را ببینند. همه نوشته‌ها را بررسی کنید تا شیوه‌های مؤثر آموزشی و بدفهمی‌ها را پیدا کنید و از این مثال‌ها در تدریس استفاده کنید. این روال کاری، معنایش این است که شما درس می‌دهید، آن‌ها می‌نویسند و سپس شما بررسی و ارزیابی می‌کنید و در پی ارزیابی، دوباره و بلافاصله درس می‌دهید. با این شیوه کار، ارتباطی مستقیم و سریع بین تدریس و آموختن برقرار می‌کنید و پیشرفت بچه‌ها سریع‌تر می‌شود.

۲. گفتن

از برخی جهات گفتن این حرف بدیهی به نظر می‌رسد ولی باید آن را گفت: اگر شما نتوانید جمله‌ای را بگویید، نوشتن آن نیز برایتان سخت است. یکی از کارهای اساسی معلم‌های سال‌های اول ابتدایی این است که بچه‌ها را ترغیب کنند تا توانایی گفتاری‌شان را رشد دهند و تقویت کنند. برای همین هم مرحله تقلید، مرحله بسیار مهمی است. این کار با شرکت بچه‌ها در داستان‌گویی و گفتن جمله‌ها یا شعرخوانی با صدای بلند در کلاس انجام می‌شود. «گفتن اخبار» و «دیدن و نشان دادن» دو برنامه راهبردی مهم در

این زمینه هستند. صحبت «درباره کارهایی که انجام داده‌ایم»، تعریف داستان اردوهای کلاس و غیره، از دیگر برنامه‌های ضروری برای این کار است. ما به چیزی احتیاج داریم تا درباره آن صحبت کنیم و معلم به فرصت‌های زیادی نیاز دارد تا الگوهایی برای صحبت تعیین کند و بچه‌ها نیز باید در بحث و گفت‌وگو شرکت کنند و پیش بروند.

استفاده از بازی‌های ساده‌ای مثل «مقلد بازی» نیز می‌تواند توانایی بچه‌ها در کلام را تقویت کند. در این بازی معلم جمله‌ای را می‌گوید و بچه‌ها عیناً باید آن را تکرار کنند. بعد از مدتی می‌توان کاری کرد که بچه‌ها هم‌زمان دو سه جمله را بعد از معلم تکرار کنند.

بچه‌ها را ترغیب کنید که جواب‌های‌شان به شکل جمله کامل باشد، درحقیقت آن‌ها باید از مرحله ساختن جملات تک‌کلمه‌ای عبور کنند و گامی به جلو بردارند. در چنین مواقعی تک‌کلمه بچه‌ها را با جمله کاملی برای آن‌ها بازگو کنید و از آن‌ها بخواهید از شما تقلید کنند و کل جمله را بگویند. بازی‌هایی را با گفتن بخش اصلی یک جمله اجرا کنید تا آن‌ها جمله کامل را بگویند. مثلاً وقتی به پوستر حیوانی نگاه می‌کنید بگویید: من می‌توانم یک... را ببینم.

به خاطر کار داستان‌نویسی لازم است در تدریس، همیشه مفهوم «صحبت کتابی» را در نظر داشته باشید. قبل از نوشتن و نیز در سایر مواقع، پیش از هر چیز مطمئن شوید که از «الگوی کلام داستان‌گویی» استفاده می‌کنید. منظورم این است که با صدای بلند از جملاتی استفاده کنید که در داستان‌ها استفاده می‌شود. در داستان‌گویی از پرحرفی به سبک قدیم پرهیز کنید و «صورت‌گفتاری» را به «صورت‌داستانی» تبدیل کنید تا به این ترتیب قاعده‌ای را که می‌خواهید بچه‌ها براساس آن بنویسند، به آنها بخورانید. مثلاً نگویید:

«خوب، بعدش یک پیرزنی بود و این پیرزن در جنگل بود و داشت تنها می‌گشت، او یک گرگ دید...»

این طرز داستان‌گویی بیش از حد شبیه زبان گفتاری است. به جای آن بگویید:

«یکی بود یکی نبود. یک پیرزن ریزه‌میزه‌ای بود که در اعماق یک جنگل تاریک زندگی می‌کرد. یک روز صبح زود پیرزن به جنگل رفت تا کمی هیزم جمع کند. هنوز زیاد از خانه‌اش دور نشده بود که با یک گرگ روبرو شد...»

این همان صورت داستانی است. این شیوه صحبت، الگوی خوبی برای داستان‌گویی و داستان‌نویسی است.

۳. تا چه اندازه و چندوقت یک بار؟

به‌طور کلی معلم‌ها در مشترک‌نویسی یا باهم‌نویسی‌ها، اغلب بیشتر حواسشان را روی شروع داستان‌ها می‌گذارند. اتفاقاً بچه‌ها توانایی خوبی برای شروع داستان دارند. بنابراین لازم است کلیت چیزی را ببینند. ممکن است در کلاس پیش‌دبستانی یا کلاس اول، باهم‌نویسی خیلی کند پیش برود، به‌ویژه وقتی کلاس همه حواسش به ایجاد ارتباط بین بخش‌بندی کردن کلمات و املاهای آن‌هاست. اگر مراقب نباشیم، این کار برای معلم مهمتر از آموزش خلق اثر یا داستان می‌شود. لازم است بچه‌های کوچک شاهد خلق و نوشته شدن کل متن - یا حداقل بخش بزرگی از آن - باشند تا از کل فعالیت احساس رضایت کنند.

از اینکه یکبارہ دو سه صفحه از داستانی را حتی برای بچه‌های کوچک بنویسید نترسید. چرا داستانی بزرگ را پیش نمی‌برید تا هر روز یکی دو صفحه به آن اضافه کنید؟ می‌توانید در کلاس دوم یا در بین بچه‌های بسیار مستعد کلاس اول، داستانی را در چند روز و یا در یک هفته به چند مرحله تقسیم کنید. این کار را می‌توان با استفاده از یک الگوی ساده انجام داد. در فصل ۸ در این مورد بیشتر کنکاش خواهیم کرد. اما در اینجا نمونه کوچکی از آن را آورده‌ام:

شنبه: برنامه کل کلاس؛ معلم «شروع داستان» را به بچه‌ها نشان می‌دهد.

یکشنبه: معلم و بچه‌ها با یکدیگر برای داستان زمینه‌چینی یا مقدمه‌چینی می‌کنند.

دوشنبه: با استفاده از شیوه بتی و بیل، بچه‌ها بلا تکلیفی یا مشکل شخصیت را در داستان قوی‌تر می‌کنند.

سه‌شنبه: معلم و بچه‌ها با یکدیگر گره‌گشایی داستان را طراحی می‌کنند.

چهارشنبه: معلم «پایان داستان» را به بچه‌ها نشان می‌دهد.

ما معمولاً با عجله و قبل از اینکه ساختار قصه را درست آموزش دهیم و نگارش را خوب جا بیاندازیم، وارد کار داستان‌نویسی می‌شویم.

۴. استفاده از رنگ‌ها

اگر می‌خواهید بچه‌ها به خوبی متوجه ساختار داستان شوند، از خودکارهایی با رنگ‌های متفاوت استفاده کنید: برای شروع داستان رنگ مشکی، برای میانه داستان رنگ آبی و برای پایان‌بندی داستان رنگ قرمز به کار ببرید. برای حروف ربط (پیونددهنده) بخش‌های مختلف داستان نیز از رنگ قرمز و برای باقی متن از رنگ مشکی استفاده کنید تا تمایز بین آن‌ها مشخص شود و هر یک به چشم بیاید.

سخن آخر

داستان‌نویسی نوعی جادوگری است: جذابیت آن در خلق ماجراهایی خیالی است که به پایانی رضایت‌بخش ختم می‌شوند. داستان‌ها به ما کمک می‌کنند تا دیگران را مسحور، مجذوب، سرگرم و شگفت‌زده کنیم و دنیا و زندگی خودمان را جالب‌تر جلوه دهیم. داستان‌ها ما را به هم پیوند می‌دهند. خلق داستان، زندگی ما را بهتر می‌کند و برای اهداف آموزشی و پرورشی ما حیاتی است.